

مؤلفه‌های فرهنگ عمومی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی^۱

* سارا شهیدی

E-mail: s_shahidi_ara@yahoo.com

** پروین احمدی

E-mail: pahmadi@alzahra.ac.ir

*** پروین صمدی

E-mail: samadi_p600@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱

چکیده

در سال‌های اخیر تحولات عمده‌ای در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جهان و خصوصاً در کشور ما ایجاد شده است. در این راستا آگاهی از فرهنگ عمومی رایج و عوامل مؤثر بر آن بین مردم و سیاستگذاران و برنامه‌ریزان درسی که متولی انتقال این مفاهیم فرهنگی به کتب درسی می‌باشند، اهمیت ویژه‌ای دارد. مؤلفه‌های فرهنگ عمومی عبارتند از مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی که هر کدام به گویه‌هایی دسته‌بندی شده‌اند. این پژوهش از نوع توصیفی و در گروه پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. ابزار مورد استفاده در این تحقیق تحلیل محتوا می‌باشد. با استفاده از این روش به تحلیل کتاب‌های درسی فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره ابتدایی تحصیلی هم‌چنین اهداف کلی جمهوری اسلامی ایران، اهداف دوره ابتدایی تحصیلی و اهداف درس فارسی «بخوانیم و بنویسیم» پرداخته شد. نتایج تحلیل محتوا نشان داد که اولویت‌بندی مؤلفه‌های فرهنگ عمومی در کتب فارسی بخوانیم و بنویسیم در ۵ پایه ابتدایی نزدیک به هم می‌باشد. این در حالی است که در محتوای کتب فارسی «بخوانیم و بنویسیم» دوره ابتدایی تحصیلی از میان مؤلفه‌های فرهنگ عمومی بیشترین تأکید بر مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی با ۵۵/۹۵ درصد و بعد از آن بیشترین توجه به مؤلفه‌های مذهبی با ۲۰/۶۱ درصد و بعد از آن مؤلفه‌های اقتصادی با ۱۲/۱۱ درصد و در آخر مؤلفه‌های سیاسی با ۱۱/۳۲ درصد می‌باشد.

کلید واژه‌ها: فرهنگ عمومی، کتب فارسی (بخوانیم و بنویسیم)، دوره ابتدایی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی.

۱ مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره ابتدایی از نظر میزان توجه به مؤلفه‌های فرهنگ عمومی» دانشگاه الزهراء(س) می‌باشد.

* کارشناس‌ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه الزهراء(س)، نویسنده مسئول

** عضو هیأت علمی برنامه‌ریزی درسی دانشگاه الزهراء(س)

*** عضو هیأت علمی برنامه‌ریزی درسی دانشگاه الزهراء(س)

مقدمه

در جهان امروز مقوله فرهنگ روز به روز پیچیده تر، حساس تر و در عین حال با اهمیت تر می شود و زندگی روزمره بیش از پیش زیر نفوذ فرهنگ و جلوه های گوناگون آن قرار می گیرد. از سوی دیگر، تحولات اجتماعی، فرایند پرشتاب جهانی شدن و رشد بی سابقه فناوری، گسترش و نفوذ بی مانند ارتباطات و پدیده های دیگر از این دست، دگرگونی های بنیادین و بلانقطاع را در فرهنگ سبب شده است. در سال های اخیر، فرهنگ بیش از پیش در کانون توجه قرار گرفته است و بسیاری از مباحث کشور، چه در حوزه اقتصاد یا حوزه سیاست رنگی فرهنگی دارد. فرهنگ عمومی تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، آموزشی، ارتباطی و اطلاعاتی است و به نوبه خود از این عوامل نیز در جهت تکامل خود تأثیر می پذیرد (مرادی، ۱۳۸۳: ۳). فرهنگ عمومی حوزه ای از نظام فرهنگی جامعه است که پشتوانه آن اجبار قانونی و رسمی نیست، بلکه تداوم آن در گرو اجبار اجتماعی اعمال شده از سوی آحاد جامعه و تشکل ها و سازمان های غیردولتی و غیررسمی است. تحقیق در فرهنگ عمومی معادل است با تحلیل و تبیین آموخته ها، یافته ها، گرایش ها و رفتارهای مردم جامعه؛ زیرا اصلاح فرهنگ عمومی عمدتاً به ویژگی های اکتسابی (آموخته) شهروندان یک جامعه در گذر سال ها یا حتی قرن ها اطلاق می شود. به همین جهت، تعریف جامع و مانع از فرهنگ عمومی بسیار دشوار و شاید هم غیر ممکن است. لیکن، با وجود همین دشواری، توجه به دو نکته زیر روشنگر راه شناخت فرهنگ عمومی است و آن این که: اولاً: فرهنگ عمومی اکتسابی و آموختنی است. ثانیاً: چون آموختنی است پس تغییرپذیر است، یعنی پیوسته پویا است. با توجه به آنچه گفته شد باید خاطر نشان کرد که تعدادی از عوامل و مؤلفه ها به طور مستقیم بر فرهنگ عمومی تأثیر می گذارند که از آن جمله می توان به مؤلفه های اجتماعی — فرهنگی، مؤلفه های مذهبی، مؤلفه های سیاسی و مؤلفه های اقتصادی اشاره نمود که همگی ضمن این که خود از مؤلفه های فرهنگ عمومی می باشند و از آن متأثر می شوند بر فرهنگ عمومی جامعه نیز سخت تأثیر می گذارند (رحمتی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۳).

از آنجا که فرهنگ روز به روز پیچیده تر، حساس تر و در عین حال با اهمیت تر می شود، بدیهی است که تلاش برای دستیابی به نقش و اثر فرهنگ عمومی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهان امروز به عنوان مهم ترین مسأله و دلمشغولی مردم، مسئولان و صاحب نظران در کشورهای در حال پیشرفت می باشد و

ضرورت هماهنگی و همسویی صاحب‌نظران، کارشناسان و برنامه‌ریزان درسی هر کشور با نیازهای فرهنگی جامعه خویش بیشتر احساس می‌شود. فرهنگ رایج در جامعه که از آن به‌عنوان فرهنگ عمومی یاد می‌کنند مجموعه‌ای است متشکل از باورها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد جامعه در حیطه چهار نظام فرهنگی - اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی. فرهنگ عمومی متشکل از مؤلفه‌هایی است که به‌طور مستقیم بر جامعه تأثیر می‌گذارند به همین سبب، ضروری است که به کودکان آموزش داده شود. این آموزش می‌تواند از طریق کتاب‌های درسی به خوبی اعمال شود. براساس این مؤلفه‌ها، تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی حائز اهمیت است.

بنابراین، فرهنگ عمومی از مباحث تعیین‌کننده در مدیریت کلی جوامع است. به گونه‌ای که سرمایه‌گذاری برای ارتقای سطح فرهنگ عمومی از سرمایه‌گذاری‌های بسیار مهم به حساب می‌آید. حکومت‌ها برای ایجاد و تثبیت فرهنگ مورد نظر خود ابزار مختلفی را در اختیار دارند که مهم‌ترین یا دست‌کم یکی از مهم‌ترین آنها آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش از مهم‌ترین نهادهای رسمی است که عهده‌دار تعلیم و تربیت جامعه است، بنابراین بایستی به گونه‌ای عمل کند که دانش‌آموزان تمام توانایی‌هایشان را پرورش دهند و زمینه به کارگیری تمام استعدادهای آنان فراهم شود. آموزش و پرورش نهادی است که یکی از وظایف اصلی آن فرهنگ‌آموزی و تثبیت مؤلفه‌های مثبت فرهنگ و مبارزه با جنبه‌های منفی فرهنگی است (گرانپایه، ۱۳۸۰: ۸۹).

دوره ابتدایی که از حدود شش سالگی تا یازده سالگی است مهم‌ترین دوره تحصیلی در نظام‌های آموزش و پرورش محسوب می‌شود، زیرا شکل‌گیری شخصیت و رشد همه‌جانبه فرد بیشتر در این دوره انجام می‌گیرد. دوره ابتدایی در رشد مفاهیم و معانی اموری که کودک در زندگی روزمره با آن مواجه است نقش مهمی دارد و این دوره تداوم بخش تکوین‌شناختی، زیستی، اجتماعی کودک است که در خانه پی‌ریزی شده است (صافی، ۱۳۸۶: ۲۸). آموزش و پرورش از طریق محتوای کتاب‌های درسی که مهم‌ترین مسیر برای انتقال دانش است باید این انتظارات را برآورده سازد. کتاب یکی از مواد آموزشی است که نقش مهمی در تأمین اهداف آموزش و پرورش ایفا می‌کند. در نظام آموزشی متمرکز کتاب درسی به‌عنوان محصول فرآیند برنامه‌ریزی درسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (ملکی، ۱۳۸۰: ۱۸۶). کتاب درسی مهم‌ترین ابزار یادگیری است. کتاب درسی تنها ابزاری برای آموزش نیست بلکه کاربرد وسیع آن در مدارس،

دانش‌آموزان را در معرض عقاید، ایده‌ها و افکار گوناگون قرار می‌دهد (نوریان، ۱۳۸۸: ۱۹). یکی از فعالیت‌های مهم نظام آموزشی، بازنگری و روزآمد کردن محتوای کتاب‌های درسی است. بازنگری، اصلاح و تجدید نظر اصولی و علمی در برنامه و محتوای کتاب‌های درسی، مستلزم توجه به نقش دانش‌آموزان در اجتماع است. به سبب به نقشی که دانش‌آموزان در آینده ایفا می‌کنند و فرهنگ جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، فرهنگ عمومی مورد توجه است.

در دنیای کنونی برای این‌که بتوانیم براساس یک برنامه‌ریزی نسبتاً دقیق فرهنگ جامعه را در حد توان به سوی ارزش‌های اجتماعی متعالی و مبتنی بر فرآیند توسعه پایدار سوق دهیم باید بدانیم که اولاً عناصر تشکیل دهنده فرهنگ عمومی کدامند؟ ثانیاً بدانیم عوامل مؤثر در ارتقاء یا مانع از ارتقای سطح فرهنگ عمومی کدامند؟ بی‌توجهی به فرهنگ عمومی چه پیامدهایی دارد و به چه میزان در کتاب‌های دوره ابتدایی به مؤلفه‌های فرهنگ عمومی در جهت رشد و پیشرفت کودکان توجه شده است. و از این اطلاعات در جهت ارتقای سطح علمی کتاب‌های درسی دوره‌های مختلف تحصیلی به‌ویژه دوره ابتدایی استفاده نماییم.

پیشینه پژوهش

پیشگاه‌زاده (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «محواره اینترنتی و تأثیر آن بر فرهنگ عمومی» از سه منظر بر تأثیر رسانه‌های جدید مانند اینترنت در فرهنگ عمومی تأکید دارد: ۱- اینترنت ضمن تأثیر در رفتارهای اجتماعی، باعث تغییراتی در فرهنگ عمومی شده است و با شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی مورد نظر اندیشمندان رابطه تنگاتنگی دارد. ۲- ارتباطات اینترنتی در سطوح گوناگونی نظیر اتاق‌های گفت‌وگو، پست الکترونیکی، شبکه‌های اجتماعی و وبلاگ‌ها انجام می‌گیرد که از آن به نام محاوره اینترنتی یاد می‌شود. ۳- اینترنت می‌تواند رسانه مجزایی باشد که بر سایر رسانه‌ها تأثیر مثبت و منفی فراوانی گذاشته است. اینترنت رسانه‌ای تأثیرگذار در فرهنگ عمومی است و به نظریه شکل‌گیری جامعه مجازی قوت بخشیده است. قواعد حاکم بر جامعه اطلاعاتی و فضای مجازی به مرور خود را به فرهنگ عمومی و فضای واقعی وارد کرده و تأثیرات موردی در سطح اجتماع و روابط میان فردی دارد.

مسعودی (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان «شبکه‌های تلویزیونی به مثابه عوامل مؤثر بر فرهنگ عمومی (بررسی موردی سی.ان.ان، الجزیره و العالم در جنگ دوم خلیج

فارس) نشان داد که رسانه‌های جمعی عوامل مؤثر بر فرهنگ عمومی جوامع هستند. در بررسی برنامه‌های خبری سه شبکه‌ی تلویزیونی سی.ان.ان آمریکا، الجزیره قطر و العالم جمهوری اسلامی ایران در ایام جنگ دوم، مشخص شد که حضور رسانه‌های مستقل می‌تواند ضمن شکستن انحصار رسانه‌ای و پخش یک سویه اطلاعات رسانه‌های انحصارگر غربی، فرصت‌های تازه‌ای را در اختیار وسایل ارتباط جمعی کشورهای مدافع فرهنگ عمومی بگذارد. نتیجه نشان داد که تنها مجهز بودن به فناوری‌های ارتباطی گره‌گشا نیست، بلکه در سایه شناخت فرهنگ مهاجم و کاربرد درست فرهنگ اسلامی می‌توان جریان یک سویه اخبار و انحصار رسانه‌ای را متوقف کرد و هم‌چنین شبکه‌ی العالم می‌تواند با تولید برنامه‌های خبری و غیرخبری، فرهنگ عمومی اسلامی و ایرانی کشورمان (فرهنگ عمومی) را به جهانیان بشناساند. به موازات فعالیت‌های شبکه‌های ماهواره‌ای و تجربه موفق العالم در جنگ دوم خلیج فارس، شبکه‌های داخلی نیز با توجه به فرهنگ عمومی از راه اطلاع‌رسانی شفاف و به هنگام و تولید برنامه‌های مبتنی بر نیازهای فرهنگی می‌توانند نقش عوامل مؤثر بر فرهنگ عمومی را ایفا کنند.

افهمی (۱۳۸۵) در پژوهش عنوان شده «بررسی مضامین و آموزه‌های سیاسی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی» به عوامل متعددی در فراگرد جامعه پذیری سیاسی اشاره دارد. از این میان نقش کتب درسی و محتوای سیاسی‌ای که از طریق این کتاب‌ها به دانش‌آموزان، آموزش داده می‌شود، انکارناپذیر است. مفاهیم و آموزه‌های سیاسی در سه بخش آموزشی، نگرشی، رفتار سیاسی بررسی شد. به‌طورکلی از تعداد کل ۱۹۳ درس سیاسی، در ۱۹ درس یعنی ۹/۸ درصد آنها، هدف ارائه اطلاعات یا دانش‌های سیاسی به دانش‌آموزان بوده است. این در حالی است که در ۳۶/۳ درصد از دروس آموزش هر سه مقوله اصلی دانش، نگرش و رفتار سیاسی مدنظر قرار گرفته است و در ۳۸/۳ درصد از دروس نیز دانش‌های سیاسی به همراه نگرش‌ها آموزش داده شده‌اند. رفتار سیاسی کمتر در دروس دوره ابتدایی آموزش داده شده است. به آموزش ارزش‌هایی چون فداکاری، عدالت و غیره در این کتاب‌ها توجه کمتری مبذول شده است.

حسن‌پور (۱۳۸۶) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر در ارتقای فرهنگ عمومی کشور (از دیدگاه مدیران فرهنگ و ارشاد اسلامی)» با در نظر گرفتن واقعیات داخلی و جهانی فوق، وضعیت فرهنگ عمومی و عوامل مؤثر در ارتقای سطح آن را بررسی کرد. محقق در چهار حوزه اجتماعی - فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی به بررسی عوامل مؤثر در ارتقای فرهنگ پرداخته است. یافته‌های تحقیق شامل اطلاعاتی

از قبیل بررسی میزان و نحوه تأثیرگذاری متغیرهای تحقیق در ارتقای فرهنگ عمومی و بررسی رابطه متغیرهای تحقیق و ارتقای سطح فرهنگ عمومی است. نتایج تحقیق براساس فرضیات تحقیق در چند سطح کلی قابل تبیین است که عوامل مذهبی بیشترین و عوامل اقتصادی کمترین تأثیر را در ارتقای فرهنگ عمومی داشته‌اند و در رابطه هر یک از آنها با ارتقای سطح فرهنگ عمومی کشور این نتیجه حاصل شد که عوامل فرهنگی - اجتماعی می‌توانند بیشترین تأثیر را بر فرهنگ عمومی داشته باشند.

دهقان (۱۳۸۲) در پژوهشی تحت عنوان «فرهنگ و آموزش و پرورش» می‌گوید فرهنگ با هر مفهومی که از آن مورد نظر باشد، با نهادهای دیگر روابط تعاملی دارد. از جمله این نهادها، نهاد آموزش و پرورش است. زبان یکی از سرمایه‌های فرهنگی است. نوع الگوی زبانی که در خانواده ساخته می‌شود، تعیین‌کننده میزان تجانس یا دوری کودک از مدرسه، از بعد فرهنگی است. با این وصف سرمایه فرهنگی در برگیرنده سرمایه زبانی و سایر اشکال معرفتی است که خانواده در حوزه‌های مختلف می‌سازد و نشان دهنده سال‌ها سرمایه‌گذاری در کودک است.

محمدخانی (۱۳۷۷) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی نقش آموزش زبان فارسی در تبیین فرهنگ ایران اسلامی» به این نتایج رسیده است که نگرش افراد جامعه از فرهنگ آن جامعه ناشی می‌شود، بنابراین زبان و فرهنگ رابطه مستقیمی با هم دارند. زبان هر ملتی پیوندهای عمیقی با فرهنگ آن دارد، به این صورت که اگر فرهنگ ملتی به هر دلیل تغییر کند در زبان آن نیز تغییرات اساسی و بنیادی حاصل خواهد شد. زبان فارسی و فرهنگ ارتباطی دیرینه و جدایی‌ناپذیر با هم دارند و زبان فارسی جزئی مهم از فرهنگ محسوب می‌شود و لازم است با حفظ زبان فارسی به کمک آموزش صحیح آن در مقاطع مختلف تحصیلی به حفظ و اشاعه فرهنگ ایران اسلامی کمک کنیم.

مقنی‌زاده (۱۳۷۵) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیلی بر تأثیر متقابل آموزش و پرورش و فرهنگ عمومی» گفته است که آموزش و پرورش یکی از ابزارها و قلمروهای فرهنگ عمومی است که بقای فرهنگی جامعه را از طریق فرایندهای جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری تضمین می‌نماید. آموزش و پرورش از یک سو عهده‌دار حفظ نظم اجتماعی از طریق درونی کردن ارزش‌های اصلی جامعه در دانش‌آموزان و دانشجویان و از سوی دیگر عهده‌دار پرورش قره خلاقیت و نوآوری و در یک کلام ایجاد تغییر در آنان است. تداوم نظم و ایجاد تغییر دو وظیفه‌ای است که فرهنگ عمومی همزمان از آموزش و پرورش می‌طلبد. این نظام می‌بایست تعادلی بین ثبات و

تغییر، بین بازآفرینی فرهنگی و بروز تغییرات مناسب با شرایط جامعه، ایجاد کند، که مستلزم برنامه‌ریزی‌های نظام‌مند در عرصه آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از نهادهای اولیه و اصلی فرهنگ عمومی است؛ اما به دلیل ارتباط سیستماتیک اجزای نظام اجتماعی با یکدیگر، آموزش و پرورش به‌عنوان یک خرده‌نظام اجتماعی وقتی می‌تواند کارکردهای خود را بدرستی ایفا کند که خرده‌نظام‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی نیز کارکردهای مورد انتظار را بدرستی ایفا نمایند. نظام آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از ابزارهای فرهنگ عمومی با داشتن یا نداشتن کارکردهای مورد انتظار، بر فرهنگ عمومی تأثیر می‌گذارد.

یوسفدهی (۱۳۷۳) در پژوهشی تحت عنوان «نقش روزنامه‌ها در رشد و گسترش فرهنگ عمومی» به بیان برخی از ویژگی‌های مثبت مطبوعات از قبیل آگاه نمودن مردم از آخرین وقایع داخلی و خارجی، بالا بردن سطح آگاهی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم و تنظیم و تصحیح رفتارها و روابط بین افراد جامعه پرداخته است و می‌نویسد روزنامه‌ها به دلیل داشتن مزایایی همچون ارزانی، فراوانی، سادگی بیان و در دسترس بودن و تنوع و اختصار مطالب می‌توانند در انتقال و ارتقای آگاهی‌های اجتماعی - فرهنگی، سیاسی و مذهبی مؤثر باشند؛ بنابراین می‌توانند نقش مؤثری در پیشرفت و شکوفایی و نیز رشد و گسترش فرهنگ عمومی داشته باشند.

رانتانن (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان «تأثیر اینترنت در فرهنگ و رفتار عمومی» محیط تعاملی اینترنت را به سه بخش تقسیم کرد، محیط گفت‌وگوی اینترنتی شامل انجمن‌های گفت‌وگو، محیط پست الکترونیکی یا ایمیل و محیط شبکه‌های اجتماعی. مقدار و نوع تأثیر اینترنت در هر یک از آنها متفاوت است. نتایج نشان داد که هر روز شاهد رفتارهایی هستیم که رسانه‌های جدید به آن دامن زده‌اند. این رفتارهای اجتماعی که نتیجه دسترسی به اینترنت است بر طیف وسیعی از مناسبات اجتماعی از مدرسه تا دانشگاه و از روستا تا شهر تأثیر مستقیم داشته است. سرعت انتقال اطلاعات در این رسانه سبب شده تا اخبار هدف‌دار و شایعه‌ها به صورت واقعی مسلم جلوه کند و به باوری عمومی تبدیل شود.

بیریوکف (۱۹۹۶) محقق روسی در اثر محققانه‌اش، «تلویزیون و دکترین‌های آن در غرب» ضمن بر شمردن خصوصیات متمایزکننده تلویزیون از دیگر رسانه‌ها تصریح می‌کند: این خواست طبیعی مردم است که تلویزیون را به‌عنوان «آئینه زندگی»، منبع آخرین اطلاعات عینی و واقعی، آورنده فرهنگ و هنر به دورن خانه‌ها و یاری که می‌توان

با او به رایزنی می‌پرداخت، مطمح نظر قرار دهند و به آن چون دوستی بنگرند. لکن سیاست‌بازان و ایدئولوگ‌های غربی، به تلویزیون نه تنها به‌عنوان وسیله‌ای مهم در شکل دادن به «افکار عمومی» مردم کشورشان، بلکه به مثابه مؤثرترین رسانه، برای تبلیغ سیاست برون‌مرزی خودی می‌نگرند. کشورهای امپریالیستی برآند تا با استفاده از تلویزیون و از راه آنچه که آنها «پخش مستقیم تلویزیون»^۱ می‌نامند، در کشورهای بیگانه نفوذ کنند.

هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش تحلیل محتوای کتب درسی فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره ابتدایی تحصیلی ۹۰-۹۱، براساس مؤلفه‌های فرهنگ عمومی، به منظور بهبود محتوای این کتاب‌ها، در راستای توجه به این مؤلفه‌ها، در جهت آموزش و پرورش کودکان (نسل آینده) می‌باشد

سؤالات پژوهش

- با توجه به هدف فوق، تحقیق حاضر در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشد:
- ۱- آیا در اهداف کلی آموزش و پرورش، اهداف دوره ابتدایی و هدف‌های درس فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره ابتدایی به مؤلفه‌های فرهنگ عمومی توجه شده است؟
 - ۲- در کتاب‌های درسی فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره ابتدایی به مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی چقدر توجه شده است؟
 - ۳- در کتاب‌های درسی فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره ابتدایی به چه میزان به مؤلفه‌های مذهبی توجه شده است؟
 - ۴- در کتاب‌های درسی فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره ابتدایی به چه میزان به مؤلفه‌های سیاسی توجه شده است؟
 - ۵- در کتاب‌های درسی فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره ابتدایی به چه میزان به مؤلفه‌های اقتصادی توجه شده است؟
 - ۶- آیا میزان توجه به مؤلفه‌های فرهنگ عمومی در محتوای کتاب‌های درسی فارسی (بخوانیم و بنویسیم) پایه‌های مختلف دوره ابتدایی یکسان است؟

1. (DTB) Direct Tv Broad casting

چارچوب مفهومی (نظری) پژوهش

مفهوم فرهنگ عمومی یا فرهنگ عام همیشه در تاریخ تمدن بشری از دوران باستان گرفته تا قرون وسطی و عصر جدید وجود داشته است. با انقلاب صنعتی و گسترش نظام سرمایه‌داری در اروپا و سایر مناطق غرب مانند آمریکا، معنا و ماهیت فرهنگ عمومی در سرزمین‌های اسلامی دگرگونی‌های بنیادین به خود دید. گسترش اندیشه‌ها و الگوهای سیاسی و فرهنگی نیز که همزمان با استعمارگری و سلطه‌گرایی دول اروپایی و آمریکایی شروع گردید، افق فرهنگ عمومی را در کشورهای اسلامی تحت تأثیر قرار داد. نهادینه شدن اقتصاد ملی و تأسیس سازمان‌های دولتی و شکل‌گیری تعلیم و تربیت جدید در سطوح مختلف، فرهنگ عمومی را به مرزهای تازه‌ای سوق داد. در فرهنگ عمومی، هویت یک طرف سکه و ارزش‌های عام طرف دیگر آن است. در ادبیات جامعه‌شناسی و ارتباطات غرب سه نوع نظریه درباره فرهنگ عمومی به وجود آمده است. یکی از سه مکتب فکری که در جهان غرب بیشتر مورد بحث قرار گرفته و در بین نخبگان و دولت‌مردان غرب‌زده ممالک اسلامی نیز معمول است فرهنگ عمومی جامعه توده‌وار^۱ یا انبوه است. جامعه توده‌وار، وسایل ارتباطی توده‌وار یا جمعی^۲ و فرهنگ توده‌وار یا عام^۳ اجزای این نظریه است. جامعه توده‌وار به نوعی از جامعه اشاره می‌کند که در آن روابط میان افراد به علت صنعتی شدن و مدرن شدن جامعه شکل توده‌ای به خود گرفته و ازدیاد جمعیت به‌ویژه در شهرهای بزرگ عامل اصلی آن است. طبق نظریات طرفداران این مکتب، خاستگاه فرهنگ توده‌ای یا فرهنگ توده‌ای، یکی از نتایج این فرآیند است. دومین مجموعه نظریه‌ها در موضوع فرهنگ عمومی در جامعه به جبر فن‌آوری اطلاعات مربوط می‌شود. طبق این مکتب تمدن مدرن، تاریخ اختراعات مدرن است. ماشین بخار، تلویزیون، اتومبیل، کامپیوتر و ماهواره این وضع تازه را برای انسان نوین فراهم آورده‌اند. توسعه‌ای که زمینه را برای فن‌آوری نوین و در نتیجه برای دگرگونی اجتماعی و فرهنگی مناسب ساخته است. این مکتب ابتدا در آمریکای شمالی (کانادا و آمریکا) و سپس در اروپای غربی و بعدها به تقلید روز در میان دولتمردان و دست‌اندرکاران دنیای شرق از جمله ممالک اسلامی مطرح شد. نظریه اقتصاد سیاسی، سومین مکتب مطرح در مورد فرهنگ عمومی است. مارکسیست‌ها و نومارکسیست‌ها و کسانی که به جامعه دیدگاه سوسیالیستی دارند، حامیان این نظریه را

1. Mass society جامعه توده‌ای 2. Mass media رسانه‌های همگانی 3. Mass culture فرهنگ توده‌ای

تشکیل می‌دهند. نظریه اقتصاد سیاسی دایره بسته مکتب توده‌ای را مورد سؤال قرار می‌دهد و این پنداشت را مطرح می‌سازد که رسانه‌های ارتباط جمعی و وضع فعلی زندگی مدرن آن قدرها هم باعث فرهنگ توده‌وار و ابزار شکل دادن به آن نیستند. بلکه مجاری انتقال محتوای فرهنگی هستند. محتوایی که مستقل از آن رسانه‌ها شکل توده را به خود گرفته‌اند. تصویری که نظریه پردازان فرهنگ و جامعه توده‌وار ارایه می‌کنند، اغلب از نگرش مسیحیت پروتستانی به جامعه و حداقل از دکتترین اقتصادی اقتصاد آزاد گرفته شده است. نظریه اقتصاد سیاسی بر عکس نظریه فرهنگ توده‌وار، از پایین و نه از بالا به این فرآیند می‌نگرد تا توده‌ها بتوانند در ماشین سیاسی و اقتصادی و در تولید و توزیع پیام‌های فرهنگی مشارکت جویند. اکثر هواداران این مکتب فکری به این باورند که انسان اساساً وب است و این نیروهای اجتماعی است که او را به فساد می‌کشاند (مولانا، ۱۳۸۷: ۵۶). فرهنگ عمومی در ادبیات علوم اجتماعی به چند معنای کلی به کار رفته است. بعضی آن را به معنای «فرهنگ عامه» و «فرهنگ توده» دانسته‌اند و با رویکردی انتقادی و منفی با آن برخورد کرده‌اند. در تلقی دیگر، فرهنگ عمومی به‌عنوان فرهنگ مسلط و مشترک یک جامعه با بار ارزشی مثبت از جهت پذیرش اکثریت در مقابل خرده‌فرهنگ‌ها تعریف شده است. بعضی نیز آن را در مقابل فرهنگ رسمی و سازمانی قرار داده‌اند. گروهی که به پیروی از مالینوفسکی فرهنگ عمومی را تعبیری برای «فرهنگ جهانی» بکار می‌برند و بر اساس آن نظر خود را در مورد فرهنگ، حدود، تحولات و شیوه دگرگونی و انواع آن مطرح می‌نمایند. این گروه بر رابطه فرهنگ و کنترل جهانی آن توسط نهادهای بین‌المللی تأکید دارند. در مقابل، گروه دیگر به تبعیت از ریوتر فرهنگ عمومی را تعبیری از «فرهنگ ملی» می‌دانند. از نظر این گروه فرهنگ عمومی در مقابل خرده‌فرهنگ‌های گروهی یا قومی به کار می‌رود. براساس نظر آنها فرهنگ عمومی همان شیوه زندگی رایج در بین مردم جامعه است (آمال، ۱۳۸۰: ۳۵). با عنایت به تقسیم‌بندی فوق برای دستیابی به تعریفی منطقی و نسبتاً جامع و مانع از فرهنگ عمومی باید گفت که فرهنگ عمومی بخشی از فرهنگ یک جامعه یا گروه است که اولاً: مورد پذیرش اکثریت افراد گروه قرار گرفته. ثانیاً: غیررسمی است (متفاوت از فرهنگ رسمی) ثالثاً: ضمانت اجتماعی دارد (طالبی، ۱۳۸۰: ۴۰۶). فرهنگ عمومی گاه با کل فرهنگ یکی انگاشته می‌شود و گاه با قیدهایی به‌عنوان حوزه‌ای مشخص تعریف می‌شود. در اینجا، فرهنگ عمومی به‌عنوان حوزه‌ای از فرهنگ (نظام فرهنگی) تلقی می‌شود که ضمانت اجرایی آن اجبار اجتماعی غیررسمی است و فرهنگ

به‌عنوان مجموعه عقاید، ارزش‌ها، جلوه‌های احساسی و هنجارهایی تلقی می‌شود که نوعی اجبار اجتماعی از آن حمایت می‌کند. بر این اساس فرهنگ عمومی حوزه‌ای از عقاید، ارزش‌ها، جلوه‌های احساسی و هنجارهاست که اجبار اجتماعی غیررسمی از آن حمایت می‌کند و فراتر از گروه‌ها و اقشار خاص در کلیت جامعه (جنبه غالب) مورد پذیرش می‌باشد. وجوه عمده فرهنگ عمومی ارزش‌ها، باورها و نگرش‌ها هستند.

ارزش: ارزش، جنبه معنوی فرهنگ انسانی است و در ایده‌های مرتبط با ترجیحات انسانی، درک هستی و ارتباط بین شهری و بین انسان و طبیعت تجسم می‌یابد. ایده‌هایی که در ذهن انسان نگهداری می‌شوند و محترم‌اند و ترجیح داده می‌شوند. بدون ارزش‌ها خواسته و عملی وجود نخواهد داشت، زیرا ارزش‌ها به تمایلات و رفتار انسانی سمت و سو می‌دهند (داریاپور، ۱۳۸۶: ۲۳). ارزش‌ها را می‌توان تصاویر ذهنی هدایتگر بخش اجتماعی تعریف نمود که بعضی از آنها از نظر اجتماعی مطلوب و به اصطلاح «خوب» و بعضی دیگر به‌عنوان «بد» مشخص می‌شوند. بنابراین، ارزش‌ها حاوی عنصری از مطلوبیت و شامل یک جزء اخلاقی هستند که اشکال متفاوت رفتار بشری و اهدافی را متمایز می‌سازند که انسان‌ها برای آنها به‌عنوان اهداف و رفتارهای بهتر یا بدتر و مقبول یا نامقبول تلاش می‌کنند (هالر، ۲۰۰۲: ۱۶). برخی، ارزش‌ها را شیوه‌ای از بودن یا عمل می‌دانند که شخص یا گروهی آنها را به مثابه آرمان می‌شناسند و افراد و رفتارهای مرتبط با آنها را مطلوب می‌دانند (گی‌روشه، ۱۳۶۸: ۷۶).

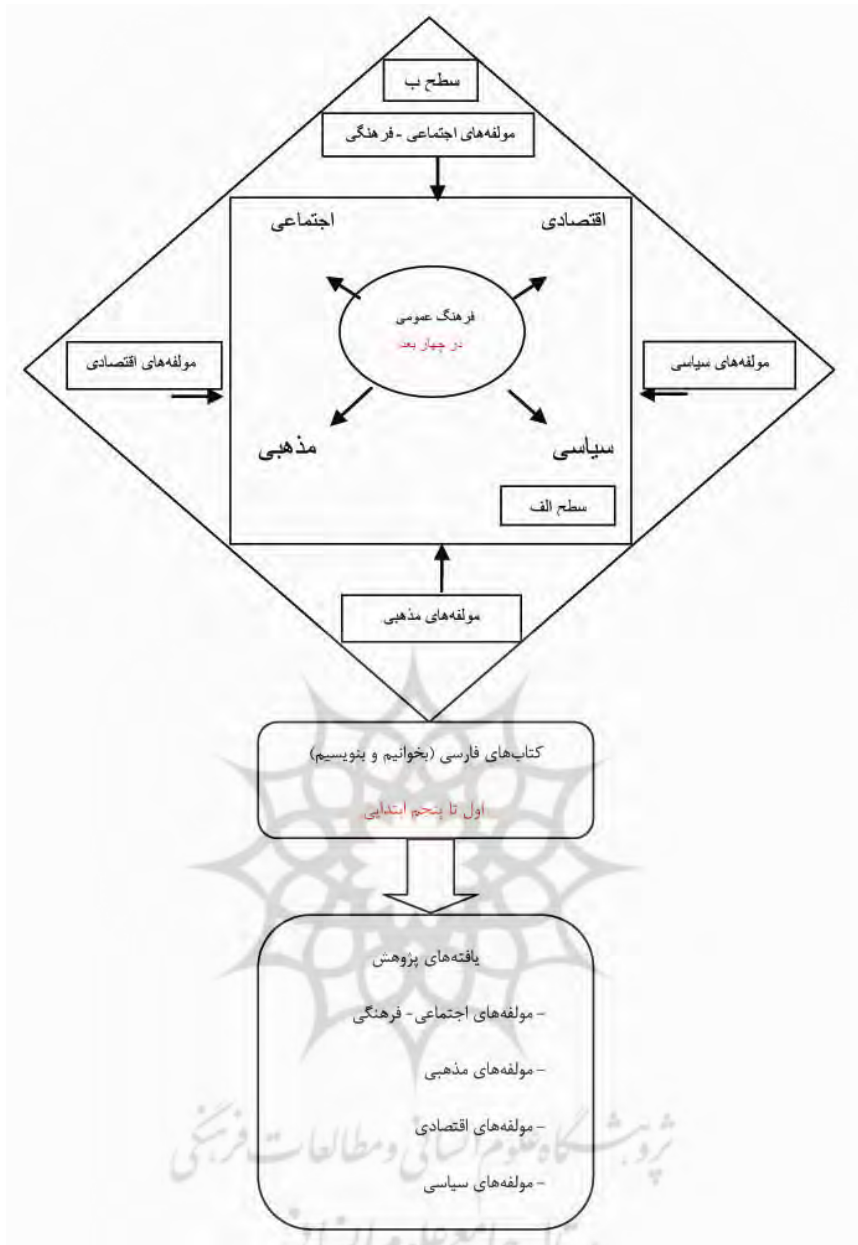
نگرش: برخی از صاحب‌نظران نگرش را قبل از هر چیز به معنای جهت‌گیری کلی و ارزش‌گذارانه نسبت به موضوع معینی دانسته‌اند (تاپیا، ۱۳۷۹: ۳۳). گرچه برخی از محققان تنها یک بعد ارزشی برای نگرش در نظر گرفته‌اند، اما روان‌شناسان اجتماعی عموماً نگرش را متشکل از سه عنصر: عاطفی - احساسی، شناختی و آمادگی برای عمل می‌دانند. رفتار: منظور از رفتار، عملکرد قابل مشاهده یا بررسی است و ترکیبی است از آگاهی‌ها و نگرش‌ها با سایر عوامل و به نسبت‌های متفاوت. رفتار از عوامل اتفافی، امکانات عملی، مسایل جاری، و بسیاری عوامل دیگر متأثر است و از آنجا که ماهیت آن پیچیده است ممکن است در جهت مخالف با آگاهی‌ها و نگرش‌ها صورت گیرد (داریاپور، ۱۳۸۶: ۲۴).

با استفاده از مبانی نظری و پژوهشی چارچوب مفهومی برای پژوهش حاضر به

صورت زیر تبیین می‌شود. در سطح الف، فرهنگ عمومی در چهار بعد اجتماعی - فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی مطرح است. در سطح ب، عوامل یا مؤلفه‌های هر یک از این ابعاد مطرح است که شامل: ۱- مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی مانند: مدرسه، وسایل ارتباط جمعی نوین، خانواده، آداب و رسوم، دوستان و مطبوعات، کلاس‌ها و آموزشگاه‌های هنری، نمایشگاه‌های فرهنگی، کتاب داستان ۲- مؤلفه‌های مذهبی مانند: مساجد، روحانیون، هیئت‌های مذهبی، اصول دین، نماز و جلسات قرآنی ۳- مؤلفه‌های سیاسی مانند: رهبر، هیات دولت، دفاع مقدس، قانون و روابط بین‌الملل ۴- مؤلفه‌های اقتصادی مانند: بازار، میزان درآمد، بانک، ثروت، بورس، تورم، که همگی آنها ضمن این‌که خود از مؤلفه‌های فرهنگ عمومی می‌باشند و از آن متأثر می‌شوند بر فرهنگ عمومی جامعه بسیار تأثیرگذار می‌باشند (رحمتی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۳). این مؤلفه‌ها در کتاب‌های درسی فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره ابتدایی جستجو شد و منتهی به یافته‌ها و نتایجی در این خصوص شد که پرداختن کتاب‌های مورد نظر به هر یک از مؤلفه‌ها را به صورت متفاوت نشان داد.



شکل شماره ۱: چارچوب مفهومی مؤلفه‌های فرهنگ عمومی در کتاب‌های فارسی (بخوانیم و بنویسیم) پایه اول تا پنجم ابتدایی



روش تحقیق

مطالعه انجام گرفته از نوع تحقیقات توصیفی است و در گروه پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. از تکنیک و روش تحلیل محتوا^۱ به‌عنوان یک روش تحلیلی برای شناخت و برجسته کردن محورهای یا خطوط اصلی یک متن یا متون مکتوب (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۲۸۰) استفاده شده است. تحلیل محتوا از جمله فنونی است که عموماً برای تحلیل منابع مکتوب از قبیل کتاب‌ها، تارنماها، نقاشی‌ها و منابع حقوقی به کار می‌رود (ارال، ۲۰۰۳: ۱۸). در حوزه علوم تربیتی، تحلیل محتوا «یک روش پژوهش منظم برای توصیف عینی و کمی محتوای کتاب‌ها و متون برنامه درسی و یا مقایسه پیام‌ها و ساختار محتوا با اهداف برنامه درسی» (یارمحمدیان، ۱۳۷۷: ۱۵۰) تعریف شده است. تحلیل محتوای کتاب‌های درسی کاربرد روش‌های کمی و کیفی، عینی و نظام دار برای توصیف رسانه آموزشی و آگاهی از میزان تأثیرپذیری آن در فرایند یاددهی - یادگیری، تأثیرات آشکار و پنهان در فراگیران و شناخت واقعیت‌های اجتماعی است (نوریان، ۱۳۸۸: ۲۰) در این پژوهش نیز، برای تحلیل کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی از نظر توجه به مؤلفه‌های فرهنگ عمومی مورد استفاده قرار گرفته است.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه پژوهش، کتاب‌های درسی فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره ابتدایی است. نمونه نیز، منطبق بر جامعه بوده، تمام کتاب‌های فارسی پایه‌های اول تا پنجم ابتدایی سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ را دربرمی‌گیرد. علت انتخاب دوره ابتدایی، اهمیت این دوره آموزشی است. دوره ابتدایی، مهم‌ترین دوره تحصیلی در نظام‌های آموزش و پرورش محسوب می‌شود. زیرا، شکل‌گیری شخصیت در این دوره است و پایه رشد همه جانبه فرد در این دوره گذاشته می‌شود. از طرفی، کتاب درسی مهم‌ترین و پرکاربردترین رسانه آموزشی در سیستم‌های آموزش و پرورش جهان است. به همین دلیل کیفیت و کارایی کتب درسی مستقیماً با کیفیت و کارایی نظام آموزشی مرتبط است. هم‌چنان‌که در تحقیق کیامنش و موسی‌پور کاهش ضریب مطلوبیت کتب درسی با افزایش افت تحصیلی دانش‌آموزان اثبات شده است (نوریان، ۱۳۸۱: ۸۵).

روش جمع‌آوری اطلاعات و روایی و پایایی آن

در تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، کتاب‌های درسی فارسی (بخوانیم و بنویسیم) پایه اول تا پنجم دوره ابتدایی انتخاب گردید و کلیه مطالب اعم از متن، تمرین‌ها، پرسش‌ها، تصاویر، نمودارها و جداول مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. برای تعیین روایی فهرست و ارسای تحلیل محتوا، از روش روایی صوری - محتوایی براساس نظر متخصصان و اساتید راهنما و مشاور استفاده شده است. به این ترتیب که فرم اولیه تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره ابتدایی از لحاظ توجه به مؤلفه‌های فرهنگ عمومی در اختیار سه نفر از صاحب‌نظران این حوزه (اساتید رشته‌های برنامه‌ریزی درسی و آموزش ابتدایی) برای تغییر و اصلاح قرار گرفت که پس از اعمال نظرات آنها و تأیید نهایی فهرست و ارسای تحلیل محتوای نهایی در قالب چهار مؤلفه و ۲۷ گویه تهیه گردید. برای تأمین پایایی ابزار اندازه‌گیری از فرمول ویلیام اسکات (۱۹۹۵) استفاده گردید:

$$C.R = \frac{\text{مقوله‌های مورد توافق}}{\text{کل مقوله‌ها}} * 100$$

$$C.R = \frac{23 + 27 + 27}{27 \times 3} * 100 = 95\%$$

بدین ترتیب، ضریب توافق ۹۵٪ به دست آمد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، دو رده عملیات از نوع استقرایی و از طریق ماتریس انجام گرفت. به این صورت که در هنگام تحلیل کتب درسی برای نظم دادن اطلاعات از ماتریس استفاده شد که برای هر یک از مؤلفه‌ها یک ماتریس به دست آمد. هم‌چنین بعد از برآورد اشتراک و افتراق کلی جدول‌های حاصله از ماتریس‌ها در نهایت جدولی برای هر یک از مؤلفه‌ها در ۱۰ کتاب تهیه شد.

مراحل انجام تحلیل محتوا

الف) مرحله اول شناسایی اسناد مربوط به اهداف پژوهش است. از آنجا که کتاب‌های درسی به‌عنوان ابزار مهم آموزش و پرورش می‌تواند در آموزش

مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر واقع شود، به‌عنوان اسناد مورد پژوهش انتخاب گردید تا محقق مقوله‌های مورد بررسی را در آنها جستجو نماید. در این پژوهش اهداف کلی آموزش و پرورش، هدف‌های دوره ابتدایی و هدف‌های ماده درسی فارسی ابتدایی و هم‌چنین کتاب‌های فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره ابتدایی (پایه‌های اول تا پنجم) به‌عنوان اسناد مورد پژوهش و نمونه هدفمند انتخاب شد.

ب) سؤال‌های پژوهش براساس معیارهای تعیین شده مشخص گردید.
ج) در مرحله سوم نمونه‌ای از اسناد برای تحلیل انتخاب شد. روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند است و با توجه به روش پژوهش که به دنبال مطالعه عمیق در راستای هدف پژوهش است از میان کتاب‌های درسی دوره ابتدایی کتاب‌های فارسی «بخوانیم و بنویسیم» تمام پایه‌ها (اول تا پنجم) انتخاب شد (به خصوص به خاطر امکان پردازش به فرهنگ عمومی در این کتاب‌ها).

د) اساس تحلیل محتوا، مقوله‌بندی پیام‌های یک سند می‌باشد. مقوله‌ها در این پژوهش به‌صورت متن، فعالیت و تصویر می‌باشند. در بررسی محتوا، جمله به‌عنوان واحد بررسی در نظر گرفته شده است. در این مطالعه پژوهشگر پس از بررسی مفاهیم، مؤلفه‌های فرهنگ عمومی شامل عوامل اجتماعی - فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی استخراج شده از کتاب پژوهشی در حیطه فرهنگ عمومی (بررسی عوامل مؤثر در ارتقای سطح فرهنگ عمومی)، نوشته رحمتی و همکاران (۱۳۷۸) را در نظر گرفت.

ه) در مرحله تحلیل محتوا که معمولاً شامل شمارش فراوانی رخداد هر مقوله تعیین شده در هر نمونه است، ابتدا محتواهای مورد نظر خواند شده و سپس پیام‌های مربوط به مؤلفه‌ها استخراج شد و برای هر مؤلفه جدول فراوانی و درصد مشخص شد. سرانجام فراوانی و درصد مؤلفه‌های مربوط در ده کتاب مورد نظر به‌صورت یک جدول نهایی نشان داده شده است.

و) مرحله نهایی تحلیل محتوا، تفسیر معنای نتایج است. فرایند تفسیر نتایج به هدف پژوهش و چهارچوب نظری و مفهومی آن بستگی دارد. در مورد تحلیل محتوای مورد نظر، تمرکز تفسیرها به میزان و چگونگی توجه مؤلفان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش به مؤلفه‌های فرهنگ عمومی و ضرورت توجه به آنها در ابزار آموزشی مهمی چون کتاب درسی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

از میان اهداف کلی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در اهداف اعتقادی، اهداف اخلاقی، اهداف علمی - آموزشی، اهداف فرهنگی - هنری، اهداف اجتماعی، اهداف سیاسی و اهداف اقتصادی به مؤلفه‌های فرهنگ عمومی اشاره شده است. در مجموع، به گویه‌های خانواده، اصول دین، آداب و رسوم، مدرسه، مطبوعات، کلاس‌ها و آموزشگاه‌های هنری، قانون، هیئت‌ها و مراسم مذهبی، دفاع مقدس، روابط بین‌الملل، میزان درآمد و ثروت، پرداخته شده است.

اهداف دوره ابتدایی در سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی تقسیم شده است. در میان این اهداف، اهداف زیر در ارتباط با فرهنگ عمومی و مؤلفه‌های آن می‌باشد. در حیطه اهداف شناختی پایه اول بند ۴ آمده، یاد دادن بعضی آیات ساده و سوره‌های کوچک قرآن کریم که بر گویه جلسات قرآنی تأکید می‌کند. در حیطه اهداف عاطفی بند ۳ بیان شده که علاقه‌مند کردن کودک به ارزش‌ها و آداب و رسوم اسلامی و میهنی و احترام گذاردن به آنها که به گویه آداب و رسوم اشاره دارد. در حیطه اهداف روانی - حرکتی، بند ۳ آمده، ایجاد زمینه شکوفایی و رشد استعداد هنری که به گویه کلاس‌ها و آموزشگاه‌های هنری تأکید دارد.

در میان اهداف درس فارسی دوره ابتدایی در حیطه اهداف شناختی بند ۴، آشنایی با مسائل اعتقادی، فرهنگی - تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، ملی، علمی، هنری و آداب مهارت‌های زندگی در قالب زبان، تأکید بر مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی، مذهبی و سیاسی دارد. در حیطه عاطفی، بند ۱، ایجاد، پرورش و تقویت علاقه و نگرش مثبت نسبت به: مبانی اعتقادی، فرهنگی و ملی کشور که اشاره به گویه اصول دین دارد. در حیطه مهارتی، بند ۳ درک نوشته‌ها و دریافت پیام اصلی آنها، دریافت ارتباط بین بخش‌های مختلف نوشته و تأکید بر گویه مطبوعات دارد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در میان اهداف درس فارسی به مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی، سیاسی و مذهبی پرداخته شده است. ولی به مؤلفه اقتصادی اشاره‌ای نشده است. بدین ترتیب، همان‌طور که در مبانی نظری برنامه درسی آمده است، محتوای برنامه درسی براساس هدف‌های برنامه درسی (ماده درسی) تدوین می‌شود. هدف‌های برنامه درسی جهت‌گیری برنامه و محتوای آن را مشخص می‌سازد، به عبارت دیگر، محتوای برنامه درسی براساس هدف‌های برنامه تهیه و تنظیم می‌شود، چنانچه در هدف‌های برنامه درسی به مؤلفه‌های فرهنگ عمومی اشاره شده باشد باید انتظار داشت در محتوای برنامه درسی و در

کتاب‌های درسی نیز به آن پرداخته شده باشد. و در مقابل چنانچه در هدف‌های برنامه درسی به مفهوم یا مقوله‌هایی توجه نشده باشد نمی‌توان انتظار داشت که در محتوا و مواد آموزشی (از جمله کتاب‌های درسی) به آن مفاهیم و مقوله‌ها توجه شده باشد. از آنجا که هدف‌ها بیشتر جنبه کیفی دارند پرداختن یک هدف به مقوله فرهنگ عمومی کافی است که محتوای برنامه درسی سمت و سوی آموزش و پرورش آن مفهوم را به خود بگیرد و در آن راستا تدوین شود.

جدول شماره ۱ اولویت بندی مؤلفه‌های فرهنگ عمومی در کتاب‌های دوره ابتدایی

پایه‌ها	پایه اول		پایه دوم		پایه سوم		پایه چهارم		پایه پنجم		درصد کل
	مؤلفه‌ها	فراوانی	مؤلفه‌ها	فراوانی	مؤلفه‌ها	فراوانی	مؤلفه‌ها	فراوانی	مؤلفه‌ها	فراوانی	
اجتماعی فرهنگی	۱۰/۴۵	۱۴۱	۲۴/۷۵	۳۳۴	۲۰/۳۳	۲۷۳	۲۴/۳۸	۳۱۹	۲۰/۱۶	۲۷۲	۵۵/۹۵
مذهبی	۲۱/۹۳	۱۰۹	۱۲/۴۷	۶۲	۱۵/۸۹	۷۹	۲۴/۳۴	۱۲۱	۲۵/۳۵	۱۲۶	۲۰/۶۱
اقتصادی	۱۹/۸۶	۵۸	۸/۶۵	۳۵	۱۱/۹۸	۳۵	۳۲/۱۹	۹۴	۲۷/۳۹	۸۰	۱۲/۱۱
سیاسی	۱۳/۱۸	۳۶	۱۱/۳۵	۳۱	۱۸/۶۸	۵۱	۳۸/۴۶	۱۰۵	۱۸/۳۱	۵۰	۱۱/۳۲
جمع کل	۱۴/۳۶	۳۳۴	۱۸/۷۴	۴۵۲	۱۸/۱۶	۴۳۸	۲۶/۹۱	۶۴۹	۲۱/۸۹	۵۲۸	۱۰۰

جدول شماره ۲: جمع بندی گویه‌های مؤلفه اجتماعی - فرهنگی در دوره ابتدایی

پایه	گویه‌ها		فراوانی کل
	فراوانی	درصد	
اول	۲۰	۱۳/۵۷	۱۰/۴۵
	۲۸	۲۸/۵۷	۰/۹۹
	۲۱	۷/۹۲	
	۳۳	۱۷/۰۹	
	۵	۳۳/۸۰	
	۱۰	۳/۷۰	
	۱۳	۱۰/۷۴	
	۰	۰	
	۰	۰	
	۱	۰/۹۹	
	۱۴۱	۱۰/۴۵	

دوم	فراوانی	۸۳	۶۱	۸۷	۸۶	۶	۷۸	۶۳	۴	۰	۴	۳۳۸
	درصد	۳۳/۳۱	۲۲/۶۱	۳۳/۳۱	۳۲/۳۱	۲۵/۷۱	۸۰/۳۱	۱۰/۷۳	۳۳/۰۱	۰	۲/۷۱	۵۶/۳۱
سوم	فراوانی	۷۸	۶۱	۶۵	۸۸	۰	۳۳	۶۱	۴۱	۰	۱۵	۳۸۸
	درصد	۲۲/۸۱	۱۷/۹۱	۱۹/۸۱	۲۳/۸۱	۰	۱۱/۸۱	۱۷/۳۱	۱۲/۳۳	۰	۴/۰۵	۱۰۱/۲۱
چهارم	فراوانی	۷۶	۳۳	۱۷	۶۳	۶	۸۳	۳۳	۰	۰	۰	۶۳۳
	درصد	۲۰/۰۱	۹/۳۱	۵/۰۱	۲۰/۰۱	۲/۷۱	۲۶/۸۱	۱۰/۳۱	۱۰/۳۳	۰	۰	۱۶/۳۱
پنجم	فراوانی	۲۱	۲	۲۰	۳۲	۳	۱۵۱	۲	۲	۰	۶	۸۸۸
	درصد	۶/۹۵	۰/۲۱	۵/۸۱	۱۰/۳۱	۰/۰۱	۴۰/۶۵	۰/۰۱	۰/۰۱	۰	۰	۲۱/۰۱
فراوانی کل		۲۶۱	۷۶	۲۶۵	۳۶۱	۱۲	۰۸۲	۱۲۱	۶۲	۰	۱۰۱	۶۳۳۱
درصد کل		۷۲/۶۱	۱۹/۸۱	۷۲/۶۱	۹۳/۳۱	۵/۰۱	۲۰/۰۱	۱۶/۷۱	۱۶/۳۱	۰	۲۶/۷۱	۱۰۰

طبق جدول شماره ۲ بیشترین توجه به گویه مطبوعات با ۲۰/۰۱ درصد بوده و این گویه در پایه پنجم بیشترین توجه را با ۵۶/۲۹ درصد فراوانی داشته است. با توجه به این که در نتایج تحقیقات یوسفدهی (۱۳۷۳) مطبوعات در بین رسانه‌های گروهی از توان بیشتری در تأثیرگذاری بر فرهنگ عمومی برخوردار است، یافته‌ها با نتایج تحقیقات یوسفدهی (۱۳۷۳) و حسن‌پور (۱۳۸۶) هماهنگ است. گویه مطبوعات می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر فرهنگ عمومی داشته باشد و آشنا نمودن کودکان با این گویه می‌تواند فواید زیادی بر رشد اجتماعی و فرهنگی آنان داشته باشد. نتایج یافته‌ها نشان داد مطبوعات هنوز هم می‌تواند، سودمندترین و ارزان‌ترین وسیله برای بالا بردن سطح آگاهی دانش‌آموزان به شمار آید.

پس از آن گویه دوستان با ۱۹/۶۴ درصد بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است و در پایه دوم با ۳۲/۸۳ درصد فراوانی دارای بیشترین توجه است. یافته‌ها با نتایج

تحقیقات حسن پور که عنوان نموده دوستان از طریق بحث‌های دوستانه، الگوپذیری از دوستان، بازی‌های گروهی و تقویت روحیه جمعی باعث رشد فکری و اجتماعی کودکان می‌شوند، هماهنگ است. پس از آن گویه آداب و رسوم با ۱۶/۳۸ درصد فراوانی، قرار می‌گیرد و این گویه در پایه دوم با ۳۳/۰۳ درصد بیشترین توجه را داشته است. پس از آن گویه مدرسه با ۱۴/۳۰ درصد قرار می‌گیرد و بیشترین توجه به این گویه در پایه دوم با ۳۲/۱۲ درصد قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج تحقیق حسن پور (۱۳۸۶) مدرسه تأثیر بسیار بالایی در ارتقاء سطح فرهنگ عمومی دارد، در صورتی که نتایج پژوهش با ۱۴ درصد فراوانی با تحقیقات انجام گرفته هماهنگ نیست. به گویه کتاب داستان با ۸/۹۶ درصد توجه کمی شده که بیشترین توجه در پایه دوم با ۳۸/۰۱ درصد قرار می‌گیرد. به دلیل این‌که کتاب‌های داستان از طریق بهره‌گیری از شخصیت‌های اصلی و محبوب و ایجاد ارتباط بین موضوعات داستان و ویژگی‌های فرهنگ عمومی می‌توانند در ارتقاء فرهنگ عمومی کودکان نقش ارزنده‌ای داشته باشند. بعد از آن به گویه رسانه جمعی نوین با ۷/۴۸ درصد، توجه اندکی شده است. البته به این گویه در پایه سوم با ۵۱ درصد فراوانی بیشترین توجه شده است. گویه رسانه‌های ارتباطی جمعی با استفاده از ابزارهایی، در خدمت انتقال فرهنگ عمومی به مانند ارسال پیام‌های کوتاه مرتبط با فرهنگ عمومی می‌باشند. به گویه خانواده با ۷/۲۶ درصد توجه اندکی شده است. البته بیشترین توجه در پایه چهارم با ۳۳/۶۷ درصد می‌باشد، پس از آن گویه کلاس‌ها و آموزشگاه‌های هنری با ۲/۲۲ درصد فراوانی، گویه نمایشگاه‌های فرهنگی با ۲/۱۴ درصد و کمترین توجه به گویه رادیو و تلویزیون با ۱/۵۵ درصد قرار می‌گیرد. با توجه به اهمیت کلاس‌ها و آموزشگاه‌های هنری در ارتقای فرهنگ عمومی از طریق آموزش رشته‌ها و مفاهیم مرتبط با فرهنگ عمومی و استفاده از مربیان و متخصصان حوزه فرهنگ و هنر می‌توانند عناصر فرهنگ عمومی را برای مردم یادآور شوند و آنها را آموزش دهند تا به سمت رعایت اصول و مفاهیم فرهنگ عمومی بیشتر راغب شوند و گویه رادیو و تلویزیون از طریق افزایش برنامه‌های مربوط به حوزه فرهنگ عمومی و افزایش پخش برنامه‌های مربوط به فرهنگ اقوام مختلف در ارتقاء فرهنگ عمومی تأثیرگذار باشند.

جدول شماره ۳: جمع‌بندی مؤلفه مذهبی در دوره ابتدایی

فراوانی کل	جلسات قرآنی	هیئت‌های مذهبی	اصول دین	نماز	مساجد	روحانیون	گویه‌ها	
							پایه‌ها	
۱۰۹	۱	۰	۲۶	۳۱	۳۰	۲۱	فراوانی	اول
							درصد	
۲۱/۹۳	۵۰	۰	۹/۴۵	۲۶/۰۵	۴۶/۸۷	۶۰		
۶۲	۰	۰	۳۸	۱۸	۴	۲	فراوانی	دوم
							درصد	
۱۲/۴۷	۰	۰	۱۳/۸۱	۱۵/۱۲	۶/۲۵	۵/۷۱		
۷۹	۱	۰	۳۸	۳۵	۱	۴	فراوانی	سوم
							درصد	
۱۵/۸۹	۵۰	۰	۱۳/۸۱	۲۹/۴۱	۱/۵۶	۱۱/۴۲		
۱۲۱	۰	۲	۹۹	۱۸	۲	۰	فراوانی	چهارم
							درصد	
۲۴/۳۴	۰	۱۰۰	۳۶	۱۵/۱۲	۳/۱۲	۰		
۱۲۶	۰	۰	۷۴	۱۷	۲۷	۸	فراوانی	پنجم
							درصد	
۲۵/۳۵	۰	۰	۲۶/۹۰	۱۴/۲۸	۴۲/۱۸	۲۲/۸۵		
۴۹۷	۲	۲	۲۷۵	۱۱۹	۶۴	۳۵	فراوانی کل	
۱۰۰	۰/۴۰	۰/۴۰	۵۵/۳۳	۲۳/۹۴	۱۲/۸۷	۷/۰۴	درصد کل	

با توجه به جدول شماره ۳ بیشترین توجه به گویه اصول دین با ۵۵/۳۳ درصد بوده است و این گویه در پایه چهارم بیشترین توجه را با ۳۶ درصد داشته است. به نظر می‌رسد دلیل آن این است که کودک در پایه چهارم (دخترها) به سن تکلیف رسیده‌اند و ضرورت دارد در پایه سوم با گویه نماز و اصول دین آشنا بشوند و در این مرحله سنی نسبت به اصول دین آگاهی و شناخت کافی پیدا کنند. آموزش اصول دین باید تحقیقی باشد و کودک بتواند از طریق آموزش محتوای کتاب درسی یا تصاویر با این گویه آشنا بشود. پس از آن گویه نماز با ۲۳/۹۴ درصد بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است. بیشترین توجه به این گویه در پایه سوم با ۲۹/۴۱ درصد اختصاص دارد. دخترها در ۹ سالگی به سن عبادت می‌رسند. لذا باید آموزش نماز بسیار مورد توجه باشد و از نتایج یافته‌ها این طور برداشت می‌شود که به این گویه در همه پایه‌ها توجه شده است. گویه مساجد با ۱۲/۸۷ درصد فراوانی پس از گویه نماز قرار می‌گیرد، بیشترین توجه به این گویه در پایه اول با ۴۶/۸۷ درصد و پس از آن پایه پنجم با ۴۲/۱۸ درصد می‌باشد، همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد به تأثیر بالای مساجد

در رشد و ارتقاء فرهنگ عمومی اشاره دارد و نتایج یافته‌های حسن‌پور نشان داد که مساجد با افزایش ساعات بازگشایی و اجرای برنامه‌های متنوع فرهنگی، هنری و ورزشی و نیز استفاده از روحانیون با سواد و عالم می‌توانند نقش پررنگی در ارتقای فرهنگ عمومی داشته باشند. پس از آن گویه روحانیون با ۷/۰۴ درصد قرار دارد. به گویه هیئت‌های مذهبی و جلسات قرآنی با ۰/۴۰ درصد فراوانی کمترین توجه شده است در حالی که هیئت‌های مذهبی با تقویت روحیه جمع‌گرایانه، پرهیز از خرافه‌گویی و آموزش و ترویج احکام و مسائل دینی و گویه جلسات قرآنی با استفاده از قاریان مشهور و خوش لحن و نیز با استفاده از آموزش مفاهیم، معانی و قصص قرآنی در پیشبرد و رشد فرهنگ عمومی تأثیر زیادی داشته است.

جدول شماره ۴: جمع‌بندی مؤلفه اقتصادی در دوره ابتدایی

فراوانی کل	بوس	تورم	میزان درآمد	بانک	ثروت	بازار	گویه	
							پایه‌ها	
۵۸	۰	۰	۴	۰	۱	۵۳	فراوانی	اول
۱۹/۸۶	۰	۰	۸	۰	۰/۷۶	۴۸/۱۸	درصد	
۲۵	۰	۰	۱	۰	۱۰	۱۴	فراوانی	دوم
۸/۵۶	۰	۰	۲	۰	۷/۶۹	۱۲/۷۲	درصد	
۳۵	۰	۰	۱۱	۰	۱۱	۱۳	فراوانی	سوم
۱۱/۹۸	۰	۰	۲۲	۰	۸/۴۶	۱۱/۸۱	درصد	
۹۴	۰	۰	۱۳	۰	۷۴	۷	فراوانی	چهارم
۳۲/۱۹	۰	۰	۲۶	۰	۵۶/۹۲	۶/۳۶	درصد	
۸۰	۰	۰	۲۱	۲	۳۴	۲۳	فراوانی	پنجم
۲۷/۳۹	۰	۰	۴۲	۱۰۰	۲۶/۱۵	۲۰/۹۰	درصد	
۲۹۲	۰	۰	۵۰	۲	۱۳۰	۱۱۰	فراوانی کل	
۱۰۰	۰	۰	۱۷/۱۲	۰/۶۸	۴۴/۵۲	۳۷/۶۷	درصد کل	

با توجه به جدول شماره ۴ بیشترین توجه به گویه ثروت با ۴۴/۵۲ درصد فراوانی در مؤلفه اقتصادی بوده است و این گویه در پایه چهارم با ۵۶/۹۲ درصد فراوانی بیشترین توجه را داشته است. با توجه به این که درصد فراوانی بدست آمده در پایه چهارم و پنجم نسبت به پایه‌های اول تا سوم بالاتر می‌باشد، به نظر می‌رسد کودک در

این مرحله سنی به درکی رسیده است که بتواند با مؤلفه‌های اقتصادی آشنا شود و بداند گویه ثروت چیست و چگونه و از چه راه‌های درستی می‌توان به ثروت رسید و دانش‌آموز را با روش‌های صحیح امرار معاش اسلامی آشنا نمایند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش و نتایج پژوهش حسن‌پور (۱۳۸۶) که به تأثیر بالای گویه ثروت توجه دارد می‌توان نتیجه گرفت که این گویه در ارتقای سطح فرهنگ عمومی تأثیر بالایی دارد و دانش‌آموزان باید از طریق کتب درسی با مؤلفه‌های اقتصادی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، آشنا بشوند. به همین دلیل دانش‌آموزان در سال‌های انتهای دوره ابتدایی، در پایه چهارم و پنجم درک بهتری نسبت به مسائل اقتصادی جامعه خود بدست می‌آورند و در نتیجه در این دو پایه توجه زیادی به مؤلفه‌های اقتصادی شده است. پس از آن گویه بازار با $۳۷/۶۷$ درصد فراوانی بیشترین توجه را در این مؤلفه به خود اختصاص داده است و در این گویه پایه اول با $۴۸/۱۸$ درصد فراوانی بیشترین توجه را داشته است. با توجه به یافته‌های پژوهش حسن‌پور (۱۳۸۶) در مورد گویه بازار که به تأثیر متوسط ($۳۴/۸$ درصد) این گویه در ارتقاء فرهنگ عمومی تأکید دارد، می‌توان گفت گویه بازار به‌عنوان یک مکان رد و بدل شدن کالا و تبلیغات فرهنگ عمومی بر روی کالاها و آموزش مفاهیم فرهنگ عمومی به مردم در ارتقای فرهنگ عمومی تأثیر دارد و دانش‌آموزان باید با این گویه آشنایی داشته باشند.

پس از آن گویه میزان درآمد با $۱۷/۲$ درصد فراوانی قرار دارد که بیشترین توجه در پایه پنجم با $۰/۴۲$ درصد فراوانی می‌باشد. با توجه به یافته‌های حسن‌پور (۱۳۸۶) که نشان داد میزان درآمد رابطه مستقیم و تأثیرگذاری بر نحوه زندگی و معیشت و حتی نحوه رفتار افراد جامعه دارد، عامل اقتصادی تأثیر بالایی در ارتقای سطح فرهنگ عمومی داشته است. یافته‌های پژوهش با نتایج تحقیق حسن‌پور هم‌هنگ نیست. پس از آن گویه بانک با $۰/۶۸$ درصد فراوانی در این مؤلفه بوده است. قابل ذکر است که فقط در پایه پنجم به این گویه توجه شده است. گویه بانک می‌تواند با آموزش و تمرین فرهنگ عمومی و سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگ در جهت ارتقای سطح فرهنگ عمومی مؤثر باشد. به گویه‌های تورم و بورس توجهی نشده است. این در حالی است که آشنا نمودن دانش‌آموزان با گویه بورس از طریق کتاب درسی که به تقویت رفتار جمعی و افزایش تعاملات رقابتی مسالمت‌آمیز فرهنگی می‌انجامد، ضروری به نظر می‌رسد. لیکن، از طرف دیگر، پرداختن به این مؤلفه می‌تواند به دلیل دشواری فهم آن برای کودکان باشد. مفاهیم تورم و بورس از جمله مفاهیم دشوار اقتصادی است که فهم

آن برای بزرگسالان نیز، مشکل است. البته شاید بتوان در سطح ابتدایی و بسیار ساده به مفاهیم مرتبط با آن مثل گرانی و رقابت در بازار اشاره نمود و ذهن دانش‌آموزان را با این مفاهیم آشنا نمود که از جمله مفاهیم روزمره و دلمشغولی‌های بزرگسالان آنان می‌باشد.

جدول شماره ۵: جمع‌بندی مؤلفه سیاسی در دوره ابتدایی

فراوانی کل	روابط بین الملل	قانون	دفاع مقدس	هیأت دولت	رهبر	گویه‌ها	
						پایه‌ها	
۳۶	۳	۴	۱۵	۰	۱۴	فراوانی	اول
						درصد	
۱۳/۱۸	۵/۵۵	۴/۷۶	۱۳/۰۴	۰	۷۳/۶۸	درصد	
۳۱	۶	۱۰	۱۴	۰	۱	فراوانی	دوم
						درصد	
۱۱/۳۵	۱۱/۱۱	۱۱/۹۰	۱۲/۱۷	۰	۵/۲۶	درصد	
۵۱	۱۱/۱۱	۱۴	۳۵	۰	۲	فراوانی	سوم
						درصد	
۱۸/۶۸	۰	۱۶/۶۶	۳۰/۴۳	۰	۱۰/۵۲	درصد	
۱۰۵	۴۰	۵۴	۱۰	۱	۰	فراوانی	چهارم
						درصد	
۳۸/۴۶	۷۴/۰۷	۶۴/۲۸	۸/۶۹	۱۰۰	۰	درصد	
۵۰	۵	۲	۴۱	۰	۲	فراوانی	پنجم
						درصد	
۱۸/۳۱	۹/۲۵	۲/۳۸	۳۵/۶۵	۰	۱۰/۵۲	درصد	
۲۷۳	۵۴	۸۴	۱۱۵	۱	۱۹	فراوانی کل	
۱۰۰	۱۹/۷۸	۳۰/۷۶	۴۲/۱۲	۰/۳۶	۶/۹۵	درصد کل	

طبق جدول شماره ۱ در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی به مؤلفه‌های سیاسی با ۱۱/۳۲ درصد توجه شده است، به طوری که بیشترین توجه در پایه چهارم با ۳۸/۴۶ درصد، پایه سوم با ۱۸/۶۸ درصد فراوانی، پایه پنجم با ۱۸/۳۱ درصد، پایه اول با ۱۳/۱۸ درصد و کمترین توجه در پایه دوم با ۱۱/۳۵ درصد بوده است. طبق جدول شماره ۵ بیشترین توجه به گویه دفاع مقدس با ۴۲/۱۲ درصد بوده است و این گویه در پایه پنجم بیشترین توجه را با ۳۵/۶۵ درصد فراوانی داشته است و بعد از آن در پایه سوم با ۳۰/۴۳ درصد فراوانی توجه شده است. با توجه به این که گویه دفاع مقدس از طریق تبلیغ و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و افزایش روحیه جمعی و انسجام اجتماعی به بالارفتن فرهنگ عمومی کمک می‌کند، هم‌چنین به‌عنوان یک واقعیت ارزشی و معنوی سرشار از مفاهیم، آثار و تجلیات معنوی در تاریخ ایران اسلامی

می‌باشد که می‌توان تأثیر بسیار بالایی در روحيات، خلییات و ارزش‌های نسل سوم جامعه ما داشته باشد. پس از گویه دفاع مقدس، گویه قانون با ۳۰/۷۶ درصد فراوانی بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است و این گویه در پایه چهارم با ۶۴/۲۸ درصد فراوانی بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است. با توجه به این‌که گویه قانون از طریق کنترل اجتماعی و وضع قوانین بر پایه عدالت اجتماعی تأثیر بسیار زیادی در ارتقای فرهنگ عمومی دارد، بنابراین دانش‌آموزان باید از طریق کتاب‌های درسی با این گویه آشنایی کافی را به دست بیاورند. پس از آن گویه روابط بین‌الملل با ۱۹/۷۸ درصد فراوانی قرار می‌گیرد و این گویه در پایه چهارم با ۷۴/۰۷ درصد فراوانی بیشترین توجه را داشته است. از آنجا که گویه روابط بین‌الملل از طریق تبادل علم و تکنولوژی و آشنایی با آداب و رسوم جوامع دیگر می‌تواند در ارتقای سطح فرهنگ عمومی تأثیر بسزایی داشته باشد، هم‌چنین روابط بین‌ملتها در اشاعه و انتقال عناصر و ویژگی‌های فرهنگ از جامعه‌ای به جامعه دیگر بسیار تأثیرگذار می‌باشد. بنابراین ضرورت آشنایی با این گویه برای دانش‌آموزان مخصوصاً در سال‌های پایانی دوره ابتدایی احساس می‌شود و نتایج یافته‌ها نیز نشان می‌دهد که به این گویه با تفاوت اندکی به جز پایه سوم و چهارم توجه شده است و نتایج یافته‌ها با تحقیقات حسن‌پور (۱۳۸۶) که اعتقاد به تأثیرگذاری در حد متوسط این گویه در ارتقای فرهنگ عمومی دارد، همسو می‌باشد. پس از آن گویه‌های رهبر و هیات دولت به ترتیب با ۶/۹۵ درصد و ۰/۳۶ درصد توجه کمی شده است و با توجه به نقش رهبر که از طریق ترسیم خط‌مشی‌ها و برنامه‌های کلان جامعه و محبوبیت و مشروعیتی که دارد، هم‌چنین هیئت دولت از طریق کوشش در سیاستگذاری درست فرهنگی و رعایت عدالت اجتماعی، در ارتقای سطح فرهنگ عمومی جامعه تأثیرگذار می‌باشد، باید توجه بیشتری به این گویه جهت آشنایی دانش‌آموزان با مؤلفه‌ها و عوامل سیاسی جامعه فراهم شود. نتایج یافته‌های حسن‌پور نشان می‌دهد که گویه رهبر تأثیر ۱۰۰ درصد و هیات دولت تأثیر کمتری نسبت به رهبری در ارتقای فرهنگ عمومی دارد.

نتیجه‌گیری

در کتب فارسی «بخوانیم و بنویسیم» دوره ابتدایی از میان مؤلفه‌های فرهنگ عمومی بیشترین تأکید بر مؤلفه اجتماعی - فرهنگی می‌باشد که از میان این مؤلفه‌ها بیشترین توجه به گویه‌های مطبوعات، دوستان، آداب و رسوم، مدرسه، خانواده می‌باشد. جایگاه

رادیو و تلویزیون، نمایشگاه‌های فرهنگی و کلاس‌ها و آموزشگاه‌های هنری نسبت به گویه‌های دیگر مؤلفه اجتماعی - فرهنگی پایین‌تر است. درحالی‌که رادیو و تلویزیون از طریق افزایش برنامه‌های مربوط به حوزه فرهنگ عمومی و افزایش پخش برنامه‌های مربوط به فرهنگ اقوام مختلف و نمایشگاه‌های فرهنگی با استفاده از این ابزارها در خدمت فرهنگ عمومی به مانند تبلیغات فرهنگی مرتبط با فرهنگ عمومی در همایش‌ها و سخنرانی‌ها با گرایش موضوعات سخنرانی به سمت فرهنگ عمومی و استفاده از صاحبان فکر و اندیشه، در کلاس‌ها و آموزشگاه‌های هنری از طریق آموزش رشته‌ها و مفاهیم مرتبط با فرهنگ عمومی و استفاده از مربیان و متخصصان حوزه فرهنگ و هنر می‌توانند عناصر فرهنگ عمومی را برای کودکان یادآور شوند و مسئولان و برنامه‌ریزان درسی این مفاهیم را در قالب برنامه‌های درسی به کودکان آموزش دهند تا به سمت رعایت اصول و مفاهیم فرهنگ عمومی بیشتر راغب شوند. بررسی اهداف کلی آموزش و پرورش و اهداف دوره ابتدایی نشان می‌دهد که به مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی توجه شده است و در اهداف ماده درسی فارسی در حیطه اهداف شناختی در بند چهارم به طور مستقیم به آشنایی با مسائل اعتقادی، فرهنگی - تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، ملی، علمی، هنری و آداب و مهارت‌های زندگی در قالب زبان تأمل فراوان دارد و در حیطه عاطفی در بند اول به ایجاد، پرورش و تقویت علاقه و نگرش مثبت نسبت به مبنای اعتقادی، فرهنگی و ملی کشور اشاره شده است. هم‌چنین نتایج به دست آمده بیان‌کننده این است که اهداف درس فارسی با محتوای کتاب ارتباط نزدیکی دارد. در مورد مؤلفه مذهبی به گویه‌های اصول دین، نماز و مساجد توجه شده است. و به روحانیون، هیئت‌های مذهبی و جلسات قرآنی به‌طور مطلوب توجه نشده است. درحالی‌که روحانیون با افزایش میزان اعتماد عمومی و کاهش فاصله بین خود و نسل جوان هم‌چنین با تقویت بنیه علمی خود می‌توانند در ارتقای سطح فرهنگ عمومی تأثیرگذار باشند. هیئت‌های مذهبی با تقویت روحیه جمع‌گرایانه و پرهیز از خرافه‌گویی و آموزش و ترویج احکام و مسائل دینی و ملی، جلسات قرآنی با استفاده از قاریان مشهور و خوش لحن و نیز استفاده از آموزش مفاهیم، معانی و قصص قرآنی و برگزاری مسابقات فرهنگی - هنری، هرکدام می‌توانند تأثیر بسزایی در ارتقای سطح فرهنگ عمومی داشته باشند. مسئولان و برنامه‌ریزان درسی این مفاهیم را در قالب برنامه‌های درسی به کودکان آموزش دهند تا به سمت رعایت اصول و مفاهیم فرهنگ عمومی بیشتر راغب شوند. این یافته‌ها با پژوهش حسن‌پور (۱۳۸۶) همسو می‌باشد که

نشان می‌دهد از لحاظ میزان تأثیرگذاری بین عوامل مذهبی تأثیرگذار بر فرهنگ عمومی رابطه معناداری وجود دارد. اما شدت همبستگی این رابطه در مؤلفه‌هایی همچون روحانیون، جلسات قرآنی و هیئت‌های مذهبی از سایر عوامل دیگر بیشتر است. بررسی اهداف کلی آموزش و پرورش نشان می‌دهد که به گویه اصول دین و اهمیت مشارکت در فعالیت‌های دینی و فرهنگی و اجتماعی که اشاره به گویه هیئت‌های مذهبی دارد، تأکید می‌شود. در اهداف دوره ابتدایی به نحو مطلوبی بر مؤلفه‌های مذهبی توجه شده است. در اهداف درسی به‌طور کلی و غیرمستقیم به مؤلفه‌های مذهبی توجه شده است. بعد از مؤلفه اجتماعی - فرهنگی و مذهبی، مؤلفه اقتصادی به نسبت مورد توجه بوده که در این مؤلفه بیشترین توجه به گویه‌های بازار، ثروت و میزان درآمد است و جایگاه گویه بانک کمتر است و به گویه تورم و بورس توجهی نشده است. در حالی که بانک با آموزش و تمرین فرهنگ عمومی و سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگ و بورس با تقویت رفتار جمعی و افزایش تعاملات رقابتی مسالمت‌جویانه بین مردم، هر کدام می‌توانند تأثیر بسزایی در ارتقای سطح فرهنگ عمومی داشته باشند. برنامه‌ریزان درسی این مفاهیم را در قالب برنامه‌های درسی بگنجانند تا کودکان به سمت رعایت اصول و مفاهیم فرهنگ عمومی بیشتر راغب شوند. تفسیر اهداف کلی آموزش و پرورش نشان می‌دهد که به گویه میزان درآمد و ثروت توجه شده است، اما در اهداف دوره ابتدایی و اهداف ماده درسی به این گویه‌ها توجه نشده است و در آخر مؤلفه‌های سیاسی مورد توجه بوده که از این مؤلفه بیشترین توجه به گویه دفاع مقدس و قانون می‌باشد و توجه به جایگاه روابط بین‌الملل، رهبر و هیئت دولت کمتر است. در حالی که رهبر از طریق ترسیم خط‌مشی‌ها و برنامه‌های کلان جامعه و محبوبیت و مشروعیتی که دارد در ارتقای سطح فرهنگ عمومی جامعه تأثیرگذار می‌باشد. هم‌چنین، هیئت دولت از طریق کوشش در سیاست‌گذاری درست فرهنگی و رعایت عدالت اجتماعی، دفاع مقدس از طریق تبلیغ و رواج فرهنگ ایثار و شهادت و افزایش روحیه جمعی و انسجام اجتماعی، قانون از طریق کنترل اجتماعی و وضع قوانین بر پایه عدالت اجتماعی و روابط بین‌الملل از طریق تبادل علم و تکنولوژی و آشنایی با آداب و رسوم جامعه تأثیر بسزایی دارند و هر کدام می‌توانند تأثیر بسزایی در ارتقای سطح فرهنگ عمومی داشته باشند و مسئولان و برنامه‌ریزان درسی این مفاهیم را در قالب برنامه‌های درسی به کودکان آموزش دهند تا به سمت رعایت اصول و مفاهیم فرهنگ عمومی بیشتر راغب شوند. تفسیر اهداف کلی آموزش و پرورش در بخش اهداف سیاسی (بند دوم، سوم و

چهارم) اشاره به گویۀ دفاع مقدس و بند پنجم اشاره به گویۀ روابط بین‌الملل دارد. در اهداف دوره ابتدایی، در حیطة شناختی، در بند پنجم و هفتم به گویۀ قانون اشاره شده و در تفسیر ماده درسی فارسی، در حیطة اهداف شناختی در بند چهارم: آشنایی با مسائل اعتقادی، فرهنگی - تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، ملی، علمی، هنری و آداب و مهارت‌های زندگی در قالب زبان فارسی به مؤلفه سیاسی توجه شده است.

در این قسمت به تجزیه و تحلیل این سؤال می‌پردازیم که آیا میزان پرداختن به مؤلفه‌های فرهنگ عمومی در پنج پایه دوره ابتدایی یکسان می‌باشد؟ همان‌طور که نتایج در جدول شماره ۱ نشان می‌دهد می‌توان گفت میزان پرداختن به این مؤلفه‌ها در دروس فارسی (بخوانیم و بنویسیم) پایه‌های اول تا پنجم تقریباً یکسان می‌باشد و تفاوت چشمگیری میان پایه‌ها از نظر پرداختن به مؤلفه‌های فرهنگ عمومی مشاهده نمی‌شود. با توجه به این که کتاب‌های درسی در سیستم آموزشی متمرکز ایران به‌عنوان محور مکتوب برنامه‌ریزی درسی در نظر گرفته می‌شود، مؤلفان کتب درسی باید در تدوین کتب مخصوصاً کتب فارسی که زبان رسمی و کلید فهم ذخایر ارزشمند علمی و ادبی - فرهنگی، ایرانی - سلامی و از ارکان هویت ملی و فرهنگی ایرانیان است به مؤلفه‌های فرهنگ عمومی برای داشتن نسلی متمدن و فرهیخته توجه کنند.

در بخش پیشنهادهای کاربردی موارد زیر توصیه می‌شود:

- ۱- توجه به مؤلفه‌های اقتصادی فرهنگ عمومی در اهداف دوره ابتدایی و اهداف درس فارسی
- ۲- با توجه به اهمیت تصاویر در آموزش دروس دوره ابتدایی و نقش برجسته تصاویر در یادگیری کودکان، از آنجا که در کتاب‌های مورد بررسی کمتر به آن پرداخته شده است پیشنهاد می‌گردد به تصاویر مربوط به فرهنگ عمومی در کتاب‌ها بیشتر توجه شود تا فهم و سرعت یادگیری دانش‌آموزان در این زمینه بیشتر شود.
- ۳- در مؤلفه اجتماعی - فرهنگی، توجه به رادیو و تلویزیون در کنار مطبوعات و رسانه‌های گروهی توصیه می‌شود.
- ۴- در مؤلفه مذهبی، توجه به هیئت‌های مذهبی در کنار سایر مؤلفه‌ها در کتاب‌های درسی توصیه می‌شود.
- ۵- در مؤلفه اقتصادی، توجه به مؤلفه‌های تورم، بورس و بانک در کتاب‌های درسی توصیه می‌شود.

- ۶- در مؤلفه سیاسی، توجه به نقش حکومت و دولت در کنار سایر مؤلفه‌ها در کتاب‌های درسی توصیه می‌شود.
- پیشنهاد‌های پژوهشی به قرار ذیل می‌باشد:
- ۱- تحلیل محتوای سایر کتب دوره ابتدایی براساس مؤلفه‌های فرهنگ عمومی.
 - ۲- آسیب‌شناسی نظام آموزشی کشور در ابتدایی و متوسطه براساس موانع ارتقای فرهنگ عمومی
 - ۳- بررسی موانع اجرایی آموزش فرهنگ عمومی و ارتقای آن در نظام آموزشی کشور.

منابع

- آلمال، فرنگیس (۱۳۸۰): «ملاحظات پیرامون فرهنگ عمومی و اصلاح آن»، *مجموعه مقالات جامعه و فرهنگ*، تهران: جلد اول، صص ۱۲۰-۱۳۵.
- افهمی، بنفشه (۱۳۸۵): «بررسی مضامین و آموزه‌های سیاسی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی»، *نشریه روان‌شناسی و علوم تربیتی، پژوهش‌های تربیت اسلامی*، ش ۲، صص ۷-۲۸.
- بیروکوف، ن. س (۱۳۷۲): *تلویزیون و دکتورین آن در غرب*، ترجمه محمد حفاظتی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- پیشگاه‌زاده، احمد (۱۳۸۸): «محاوره اینرنتی و تأثیر آن بر فرهنگ عمومی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال دهم، دوره سوم، شماره ۷، صص ۱۱-۴۶.
- تایپا، کلود و دیگران (۱۳۷۹): *درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی*، تهران: نی.
- حسن‌پور، محمد (۱۳۸۶): «بررسی عوامل مؤثر در ارتقاء فرهنگ عمومی کشور از دیدگاه مدیران فرهنگ اسلامی»، *کاوسی، اسماعیل، مجله مدیریت فرهنگی*، تهران: س ۱، پیش‌شماره ۱، صص ۱۳-۲۹.
- داریاپور، زهرا (۱۳۸۶): *پرسشنامه فرهنگ عمومی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دهقان، حسین (۱۳۸۲): «فرهنگ و آموزش و پرورش»، *نشریه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی*، رشد آموزش علوم اجتماعی، ش ۲۲، صص ۳۲-۳۷.
- رحمتی، محمدمهدی؛ کاوسی، اسماعیل؛ حسن‌پور، مهدی (۱۳۸۷): *پژوهشی در حیطه فرهنگ عمومی (بررسی عوامل مؤثر در ارتقای سطح فرهنگ عمومی)*، رشت: بلور.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵): *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد اول (اصول و مبانی)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- (۱۳۸۰)؛ *روش های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صافی، احمد (۱۳۸۶)؛ *آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمای تحصیلی و متوسطه*، تهران: سمت.
- طالبی، ابوتراب (۱۳۸۰)؛ «استراتژی های عمده در رابطه با فرهنگ عمومی و خرده فرهنگ های بومی»، *مجموعه مقالات جامعه و فرهنگ*، جلد اول، تهران: آرون، صص ۲۰۳-۲۲۱.
- گرانیپایه، بهروز (۱۳۸۰)؛ «آموزش و تحول فرهنگ، بررسی های موردی در زمینه فرهنگ عمومی»، *مجموعه مقالات جامعه و فرهنگ*، جلد دوم، تهران: شریف، صص ۲۶۴-۲۷۶.
- گی، روشه (۱۳۶۸)؛ *کنش اجتماعی*، ترجمه هما زنجانی زاده، دانشگاه فردوسی مشهد.
- محمدخانی، حمید (۱۳۷۷)؛ «بررسی نقش آموزش زبان فارسی در تبیین فرهنگ ایرانی اسلامی»، *نشریه زبان و ادبیات «رشد آموزش زبان و ادب فارسی»*، ش ۴۷، صص ۴۲-۴۶.
- مرادی، مهدی (۱۳۸۳)؛ *بررسی موانع توسعه فرهنگ عمومی در ایران بعد از انقلاب اسلامی*، کرباسی، عبدالحمید و مقدس جعفری، محمد حسن، کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان (دانشکده ادبیات و علوم انسانی).
- مسعودی، میثم (۱۳۸۸)؛ «شبکه های تلویزیونی به مثابه عوامل مؤثر بر فرهنگ عمومی و بررسی موردی سی ان ان، الجزیره و العالم در جنگ دوم خلیج فارس»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، س ۱۰، دوره سوم، شماره ۷، صص ۲۷-۳۶.
- مقنی زاده، محمدحسن (۱۳۷۵)؛ «تحلیلی بر تأثیر متقابل آموزش و پرورش و فرهنگ عمومی»، *فصلنامه معین*، س ۴، دوره سوم، ش ۷، صص ۸۷-۹۸.
- ملکی، حسن (۱۳۸۰)؛ *برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)*، مشهد: پیام اندیشه.
- مولانا، حمید (۱۳۸۷)؛ *گذر از نوگرایی ارتباطات و دگرگونی جامعه*، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
- نوریان، محمد (۱۳۸۸)؛ *راهنمای عملی تحلیل محتوای رسانه های آموزشی*، آموزش امیر، چاپ اول.
- یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۷۷)؛ *اصول برنامه ریزی درسی*، تهران: یادواره کتاب.
- یوسفدهی، هومن (۱۳۷۳)؛ «نقش روزنامه ها در رشد و گسترش فرهنگ عمومی»، *فصلنامه فرهنگ عمومی*، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۹۸-۱۱۰.
- Briffault (1996); *Making of Humanity cited by Abdu Salam, I, deals and Realities*, P 18.
- Eral, Babbie (2003); *The practice of practice of social Research*, 10 editions, wads worth: Thomson learning.
- Haller, Max (2001); "Theory and method in the comparative study of values: Critique and Alternative to Inglehart", *European sociological Review*, Vol 18, No. 2: 139-158.
- Rantanen, Terhi (2005); "The Massage is the media: An interview with Manuel Castles", *Global media communication*, Vol 12.
- Shiels, Linda A Alison Twycross (2008); "Content analysis", *Pediatrics Nursing*, Vol. 20, iss.6, P 38.